

سال سوم و شاید سال آخر

۵ خرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۰۴

ایران که بدون هیچ منفعتی یک قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

جوان و تاریخ- اخبار تاریخی

این زمان زمان سوم
سال سوم و شاید است که از غیر جنگ
سال آخر بین امپری می گذرد و
متوجها دردی زمان بدون درزی شدید حاکمه
فاده از - کی چنین هزار غمرا موقت در تحت
حاکمیت خود بگیرد .
دربار جنگ های بزرگ در فروت
های مختلفه تطبیق و تنظیم از حلات ارضیه
و احوالات متعلقه شدید . مستقیم نظام طبیعه
بود دست کشیده . و اصطلاح امروزه سگری با
تشدیدی می شود ولی در ضمن قوای خود را
برای آنگاه که شاید سال آخر جنگ بین امپری
باشد حاضر نمی نماید که با آمدن بهار که فصل
تجدید حیات است کشتی از موجودات است این
شده پس قرن حاضر تمام آلات قتل و اعدامی
را که برای جان هندیکر و جان بی طرفها تهیه
نموده اند از نو بکار می اندازند .

در فروت زیگا - استکان و کاپی و در
فروت فرانسه نیز از این بعد جنگ ها حالت
سخت تر با حالت و در جوب کاپی نیز متوجها
آرامی برقرار می شود تنها در فروت بالکان
است که در این نوع خونریزی فعالیت سابق خود
یافتی است و آنچه احتمال می رود این است حاکمه
زمستان امسال توجه مخصوصی بیشتر بر این فروت
جنگ گردیده و زمینه صلح آنگاه نیز در اینجا
براهم آورده . چه اگر متعلق موفق به یسرفت
در بالکان شود وضعیت شمالی و بخار سخت و
روابط این دو دولت از بر سر کار نکال خود
مقطوع شده و قهرا در حکومت مسئولیت بگردند .
برعکس اگر متعین از قوای مرکزی در بالکان
یسرفت های مهم تانی بکنند یک قسمت بزرگ
از منطقه متعلقین طعم مانده . و البته مدت مدیدی
برعکس جنگ از روزه خواهد شد .

بهر حال باید می شود که برای تمام
مطلبی هسته داخل در جنگ هست و برای حفظ
حیات با سعادت آنگاه خود از هیچ قسم لشکری

خود داری نبیند که فصل زمستان فصل استراحت
سسی و دور توجه بیش از حد بحسب آنچه کرد ولی
برای ایران حاکمه بدون هیچ منتفی یک قسمت
از خدمتشان در آنگاه جنگ بین امپری بسوزد
این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما
جان و مال بی اندازه از اعلی میگذشتن از قتل
و آماج سقوط می ماند .

با که در شهران و از فروت جنگ دوریم
شاید صورت سسی تولید و نسبت اعلی حاکمیت
آی حدودی را بکلی گرونی که دارند در جنگ
می سوزند بیش چشم خود بحسب کنیم .

چرا گوته سسی و چه خود سسی آ
آیا هنوز تیراید خودی جنگ و بیخ
گرفته و استیلا که باعث ایندهم در سسی و
حکومت تمام شایسته .

آیا خطران و از راه بر ما - طون های
در حاکمیت شده منوطان ما - حاله های خرابیه و
تراج شده ما - هنوز از طون ما تری نواله
گرفته است .

مکان سسی کنیم
آیا اینا توی - بی فیزی - تصوران
موجود در بعضی اشکالهای مصنوعی - نظرات
و مضطرب شده را طرف ما جلب نکرده و
کلیه موانع اشکال را از ما جلب نمود .

آیا موانع شیمی را جزء مدلت سلسیون
ما باید بحسب داشت . آیا در زدگی سلسی
حکمرانان ما رشادت سلسی و شجاعت انقلابی
یافته وقتی موقع عمل گذارده شده است . و آیا
بیل مقامات عالی وسیله آمیزش ها و کشتن
هنای داخلی یکی از مراض سلسی بحسب
شده و البته بصورتی از جراثیمی سسی داخلی
برای کار گران ما تصور بوده است .

متأسفانه جوانان تمام این سؤال ها معنی است
ما چه بلدی که باید بگوئیم در موقع
تفتاب و تنها شرط خلاصه وطن است که هنوز
سسی گذارده ما کت بسازد و از این است که گاهی
این نوع خطایی را برای اصلاح مورد حین در آنگاه
یادگار در این صحبت گذارده و می گذاریم .

همان طور که می دانیم دو جنگ جهانگیر در قرن بیستم رخ داد. جنگ هایی که بخش های زیادی از جهان را به خود مشغول داشت. در هر دو جنگ برخی از کشورها به طور ثابت حضور داشتند، مثل انگلستان که در نهایت در هر دو جنگ جزء طرف پیروز

بود و آلمان که در هر دو جنگ در میان شکست خوردگان حاضر بود.

اما کشورمان، ایران، در هر دوی این جنگ‌ها جزء بی طرفان بازنده بود. اگر آلمان در هر دوی این جنگ‌ها خودخواسته وارد شده و به نوعی رهبری یکی از جبهه‌ها را بر عهده گرفته بود، ایران نه تنها حاضر به ورود به جنگ نبود، بلکه صراحتاً اعلام بی طرفی می کرد. اما ضعف قدرت مرکزی سبب می شد تا کشور ما نتواند از آتش جنگ محفوظ بماند و از این رو مردم ایران تنها می بایست آرزو می کردند تا جنگ به پایان برسد تا بدین گونه بتواند بار دیگر رنگ آرامش را در کشور خود ببیند.

روزنامه عصر جدید در زمانه مشروطه و در میانه جنگ جهانی اول در یادداشتی با عنوان «سال سو و شاید سال آخر» به توصیف زمستان سومین سال جنگ می پردازد:

«این زمستان، زمستان سوم است که از عمر جنگ بین المللی می گذرد و متدرجاً سردی زمستان به خون ریزی شدید خاتمه داده، زندگی چندین هزار نفر را موقتاً در تحت حمایت خود می گیرد. عنقریب جنگ‌های بزرگ در فرونت‌های مختلفه تعطیل و متحاربین از حملات تعریضیه و یا حملات متقابله شدید که مستلزم تلفات عظیمیه بود دست کشیده و به اصطلاح امروزه سنگری یا خندقی می شوند ولی در ضمن قوای خود را برای آتیه که شاید سال آخر جنگ جهانی بین المللی باشد، حاضر می نمایند که با آمدن بهار که فصل تجدید حیات یک قسمتی از موجودات است، این متمدنین حاضر تمام الات قتل و اعدامی را که برای جان همدیگر و جان بی طرف‌ها تعبیه نموده اند از نو به کار بیندازند...»

نویسنده ای یادداشت سپس به سراغ آتشی که از جنگ نصیب ایران شده می آید و می نویسد: «... ولی برای ایران که بدون هیچ منفعتی یکی قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

او سپس برخی سوالات را از سیاستمداران ایرانی می پرسد؛ از جمله آنکه: «آیا خسارات وارده بر ما-خون‌های ریخته شده هموطنان ما-خانه‌های خراب و تاراج شده ما- هنوز در قلوب ما تاثیری تولید کرده است؟» و سپس صراحتاً پاسخ می دهد: «گمان نمی کنم» و در پایان ضمن اشاره به این نکته که به کرات به این مسائل پرداخته است، می نویسد: «... گاهی این حقایق را برای اطلاع مورخین در آتیه به یادگار در این صفحات گذارده و می گذریم...»^۱

پی نوشت‌ها:

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/32919/سال-سوم-شايد-آخر>